

## ادعای شباهت داعش با سفیانی

گفتگو با نصرت الله آیتی

به نظر شما ادعای گروه داعش مبنی بر اینکه آنان همان سپاه سفیانی هستند، تا چه اندازه می‌تواند صحیح باشد؟

درباره این ادعا و مطابقت آن با واقعیت، از دو منظر می‌توان گفتگو کرد. ابتدا باید دید آیا این ادعا با آنچه درباره سفیانی از امامان معصوم وارد شده هماهنگ است؟ و دوم آنکه با صرف نظر از ادعاهایی این چنین، اساساً ما تا چه اندازه اجازه داریم نشانه‌های ظهور را بر مصادیق خارجی تطبیق دهیم و آیا این کار امکان دارد یا نه؟ البته بحث دوم از منظر اول بسیار مهم تر است؛ چرا که داعش یک مورد خاص است که می‌گذرد و انشالله به زودی سفره‌اش جمع می‌شود اما ماجرای تطبیق نشانه‌های ظهور همچنان باقی است و چه ما بخواهیم یا نخواهیم، همیشه با این مسئله مواجه هستیم.

### (در رابطه با بحث اول و ادعای داعش چه باید گفت؟)

به صورت خلاصه باید گفت در ظاهر میان داعش و جریان سفیانی مشابهتی وجود دارد و آن کینه‌ورزی شدید نسبت به اهل بیت علیهم السلام و شیعیان است. با این وجود، اگر از این وجه مشترک صرف نظر کنیم، در بسیاری از موارد، ویژگی‌های سفیانی در داعش وجود ندارد. به عنوان نمونه، در روایات معتبر وارد شده که قیام سفیانی در ماه رجب و هم‌زمان با قیام یمانی در یمن و خراسانی است و یا در روایات معتبر وارد شده که کل قیام سفیانی از ابتدا تا انتها تنها پانزده ماه طول می‌کشد که شش ماه آن پیش از قیام امام مهدی علیه السلام و نه ماه آن، پس از ظهور است که در واقع، دوران رو به افول رفتن قدرت سفیانی و



نصرت‌الله آیتی، متولد ۱۳۵۳، اهل اصفهان و عضو هیئت علمی پژوهشکده آینده روشن است؛ از ایشان تاکنون کتاب‌ها و مقالات متعددی منتشر شده که توجه به موضوع نشانه‌های ظهور، در میان آنها برجسته است.

در پی اعلام گروه داعش مبنی بر اینکه آنها خود را به عنوان سفیانی (جریان مخالف در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام که وجود آن به عنوان یکی از نشانه‌های حتمی ظهور ذکر شده است) خبرگزاری آینده روشن برای بررسی این ادعا، گفتگویی را با این کارشناس مباحث مهدویت انجام داده که چکیده آن، از نظر شما می‌گذرد. ایشان در این گفتگو، علاوه بر بررسی ادعای داعش درباره سفیانی، درباره تطبیق نشانه‌های ظهور با حوادث و جریان‌های اجتماعی نیز توضیح می‌دهد و از مشکلاتی که تطبیق‌گرایی به همراه دارد، سخن می‌گوید. کارنامه فعالیت‌های این کارشناس را در نشانی زیر ببینید.

<http://hadith.mahdaviat.ir/people/575>

در نهایت کشته شدن اوست.)

در روایات معتبر دیگری آمده که ظهور در همان سال خروج سفیانی اتفاق می افتد و به عبارت دیگر، در محرم همان سالی که سفیانی در ماه رجب پدید می آید، امام مهدی علیه السلام ظهور می کند. این ویژگی هایی که در روایات معتبر، برای سفیانی برشمرده شده، هیچ کدام در داعش وجود ندارد؛ (داعش نه در رجب به حرکت درآمده و نه حرکتش همزمان با قیام یمانی و خراسانی بوده است.) بنابراین، ادعای آنها بی اساس است و به هیچ عنوان با روایات هم خوانی ندارد.

### در رابطه با تطبیق نشانه های ظهور چه نکاتی اهمیت دارد و آیا امکان این کار وجود دارد؟

این بحث مشکلات زیادی دارد؛ چرا که وقتی شما نشانه ها را بر مصادیق خارجی تطبیق می دهید، در واقع می خواهید بگویید که ظهور نزدیک است و به زودی اتفاق می افتد و حتی گاهی اوقات، زمان ظهور را هم به صورت ضمنی مشخص می کنید! وقتی درباره شخصیت هایی که در ظهور نقش آفرین هستند، مثل سفیانی یا یمانی یا شعیب یا خراسانی حرف می زنید و یا از حوادثی که فاصله اش تا ظهور بیان شده (مثل سفیانی که گفته شده شش ماه قبل از ظهور قیام می کند) سخن می گوید، در این صورت به نوعی توقیت (مشخص کردن وقت) برای زمان ظهور دست می زنید که این خود به مشکل دیگری می انجامد. در این صورت، وقتی ما به تطبیق گرایشی رو می آوریم و به عنوان مثال می گوئیم: «این اتفاقاتی که در عراق رخ داده، همان چیزی است که در روایات آمده»

بدان معناست که ادعا می کنیم منظور امامان معصوم از فلان روایات همین حوادثی است که امروز در حال رخ دادن است و این همان نسبت دادن چیزی به امام معصوم است و روشن است که نسبت دادن یک سخن به معصوم، دلیل محکمی می خواهد که به سختی می توان مدعی آن شد و اساساً تطبیق گرایشی با لغزش همراه است.

### چه مشکلاتی می تواند در بحث تطبیق نشانه های ظهور با حوادث خارجی به وجود آید که باید از آنها پرهیز کرد؟ علاوه بر احتمال زیاد لغزش در تطبیق گرایشی، این کار

مشکلات زیادی به بار می آورد. نخستین و مهم ترین این مشکلات آن است که برای تطبیق این نشانه ها بر مصادیق خارجی، ضوابط شفاف و وجود ندارد و تطبیق ها بیش از آن که مبتنی بر معیارهای از پیش تعریف شده باشد، ریشه در سلیق و تمایلات شخصی افراد دارد؛ از این رو، زمینه برای کسانی که نیت های پلید دارند فراهم خواهد بود تا به دلخواه خود و متناسب با اهداف شان، روایات را بر مصادیق مورد نظرشان تطبیق دهند و از سوی دیگر بستری خواهد شد تا مؤمنان ساده دل، از سر اشتیاق به ظهور، با مشاهده کمترین قراین مذکور در روایات، حکم به تطبیق نشانه ها بر مصادیق دهند و در نهایت، به دلیل اشتباه در تطبیق به یأس و سرخوردگی مبتلا شوند. مشکل دوم این است که اغلب نشانه های ظهور، این قابلیت را دارند که بر مصادیق های مختلف تطبیق شوند و مشکل سوم هم اینکه در آن بخش از نشانه های ظهور که مربوط به شخصیت ها و رخداد های اجتماعی است، امکان ساخت مصداق جعلی (مانند همین ادعای داعش) وجود دارد.



اقدامات داعش از جمله اعدام های دسته جمعی، ربودن اقلیت های قومی و مذهبی و بریدن سر روزنامه نگاران و سربازان، خشم و نفرت عمومی از این گروه را در سراسر جهان برانگیخت. این گروه در محدوده سلطه خود قوانین بی سابقه ای را به اجرا گذاشت (زنان باید پوشیده از خانه خارج شوند، غیرمسلمانان باید اسلام بیاورند و یا جزیه بپردازند و مخالفان با مجازات هایی نظیر شلاق و اعدام مواجه شوند). همچنین، انتشار تصاویر مربوط به سربریدن باعث ترس سربازان در مقابله با داعش شد.



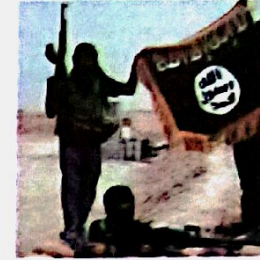
در جریان بمباران محل اقامت رهبران داعش در الثرثار در سال ۲۰۱۰، ابوبکر البغدادی رهبری این گروه را در اختیار گرفت و خود را به عنوان خلیفه اسلامی معرفی کرد. در این دوره عملیات های تروریستی داعش افزایش یافت و حمایت های بیشتری از ناحیه حامیان منطقه ای و غربی در اختیار آن قرار گرفت. نیروهای داعش در مبارزه علیه حکومت سوریه به رقابت با سایر گروه های تروریستی سلفی پرداختند و با بخش هایی از ارتش آزاد سوریه و جبهه النصره نیز درگیر شدند و پیروزی هایی به دست آوردند.



گروه دولت اسلامی عراق و شام (داعش) فعالیت خود را به عنوان بخشی از القاعده در سوریه و عراق، از سال ۲۰۰۴ آغاز کرد. ابومصعب الزرقاوی، ابوحمزه المهاجر و ابو عمر البغدادی، رهبری این گروه را تا سال ۲۰۱۰ برعهده داشتند. آموزش نظامی و عقیدتی نیروها در کشورهای همسایه و انجام عملیات های تروریستی در عراق (به ویژه موصل و فلوجه) و شرکت در شورش علیه حکومت سوریه (به ویژه در استان الرقه) در کنار دیگر گروه های سلفی، به مهم ترین فعالیت داعش در این سال ها تبدیل شده بود.

## ماجرای داعش از ابتدا تا اکنون

محمد حسین زمانی



داعش در دسامبر ۲۰۱۳ عملیاتی تروریستی علیه سفارت ایران در بیروت انجام داد. با اوج‌گیری اختلافات سیاسی در عراق، بار دیگر توجه داعش به عراق معطوف شد و توانست کنترل شهر فلوچه در مرکز عراق را به دست گیرد. همچنین، در ژوئن ۲۰۱۴ شهر موصل در شمال عراق را نیز تصرف کرد و سپس عازم بغداد شد و اقلیت‌های قومی و مذهبی نظیر یزیدیان عراق را مورد حمله قرار داد. البغدادی در این زمان، با اعلام تأسیس «خلافت اسلامی» نام گروهش را به «دولت اسلامی» تغییر داد.



در تابستان ۲۰۱۴ بیش از یکصد و بیست تن از روحانیون و محققان اسلامی از کشورهای مختلف جهان با انتشار یک نامه سرگشاده، اقدامات داعش را مغایر آموزه‌ها و اعتقادات اسلامی دانسته و از رهبران اسلامی خواستند از این بیانیه حمایت و آن را امضا کنند. این نامه خطاب به البغدادی نوشته شد. همچنین، با تکذیب خبر نزدیکی داعش به مرزهای ایران، مقامات ایرانی اعلام کردند بارها به دلیل سوءنیت مقام‌های آمریکایی، درخواست آنها برای همکاری در برابر داعش را رد کرده‌اند.



ارتش آمریکا در قالب ائتلاف حمله به داعش، حملاتی را علیه این گروه در عراق انجام داد که البته در تأثیر آنها بر مقابله یا حمایت از داعش علیه ارتش عراق اختلاف نظر وجود داشت. همچنین، قتل عام قبایل مختلف کرد و سنی توسط داعش مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت و با مقاومت نیروهای کرد در برابر داعش، شدت عملیات نظامی آنها به مناطقی در سوریه منتقل شد. در پاییز ۲۰۱۴ هجوم داعش به شهر کوبانی و درگیری با ساکنان آن و نیز حملات هوایی ارتش آمریکا به آن منطقه، در کانون اخبار قرار گرفت.



در اکتبر ۲۰۱۴، همزمان با ادامه درگیری‌ها در نزدیکی مرز ترکیه، چند هزار نفر از کشورهای مختلف، به نیروهای داعش پیوستند. شورای امنیت سازمان ملل در جلسه‌ای ویژه، قطعنامه‌ای صادر کرد که پیوستن افراد به گروه‌های تروریستی از جمله داعش را جرم تلقی می‌کند. رییس‌جمهور آمریکا، در این جلسه گفت: «کلماتی که امروز در اینجا بر زبان رانده شد باید با عمل همراه شود و اجرا شود؛ اقداماتی عملی و ملموس در داخل هر کشور و میان کشورها نه فقط در روزهای آینده بلکه در طول سالیان آینده».

## چه کسانی از اروپا به داعش می پیوندند؟

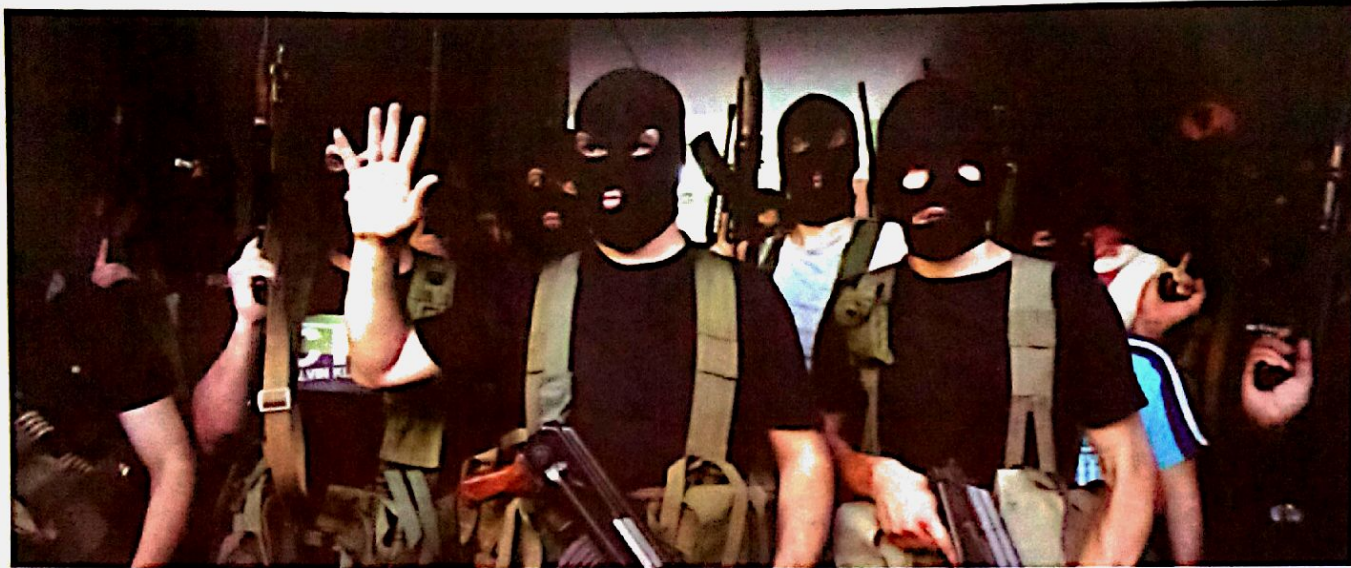
علی شهیدی

گروه خلافت اسلامی یا داعش، نامی است که تا چند سال گذشته هیچ چیزی درباره اش شنیده نشده بود. فقط شاید کسانی که به روابط بین الملل در حوزه خاورمیانه علاقه داشتند، نام گروهی را شنیده بودند که دولت ایالات متحده، در حال تجهیز آنان بود. اما امروزه در بسیاری از رسانه ها، نام داعش و کلیپ هایی از تصاویر خشونت باری که به آنها منتسب است، پخش می شود و مورد تحلیل قرار می گیرد.

داعش هم اکنون در مناطق غرب و شمال عراق و شرق سوریه در حال تاخت و تاز است و برای گستراندن مرزهای خلافت خود در تلاش است و علاوه بر درگیری های نظامی، از یک جنبه دیگر نیز می تواند مورد بررسی قرار بگیرد؛ اینکه چه کسانی و با چه نیت و هدفی به این گروه می پیوندند؟ در این میان، نکته جالب توجه، حضور چشم گیر زنان و مردان اروپایی در میان اعضای داعش است؛ در حالی که رسانه های اروپایی، به صورت مداوم در حال پخش کلیپ های ترسناکی از عملیات های داعش بر علیه زنان و کودکان و مردان و افراد غیرنظامی هستند. بنابراین، پرسش دقیق تر این است که چرا از اروپایی که مهد دموکراسی است و اکنون در وحشت از داعش فرو رفته، افراد بسیاری به داعش می پیوندند؟

پاسخ شاید این باشد که دموکراسی اگرچه مدعی است همراه با خود، حقوق بشر، آزادی بیان و نظام اجتماعی سکولار را به ارمغان آورده و باعث به وجود آمدن علوم تخصصی و شکل گیری نظام تمدنی جدید شده است، با این حال، در مدت زمانی که از عمر آن می گذرد، یک جنبه مهمش تا به حال روشن نشده و اکنون به آرامی در حال شناخته شدن است؛ اینکه دموکراسی بعد از گذر چند قرن، ناگهان خسته کننده و حتی کسل کننده می شود! اینکه شهروندان اروپایی، رستوران، موزه، سالن مد و فوتبال و چیزهای متنوع دیگری از این قبیل در اختیار دارند اما کمتر اشاره ای به معنویت، رمز و راز و کشف و شهود در زندگی آنان به چشم می آید؛ یک زندگی در حال مصرف که فقط با خریدن و به رخ کشیدن به چشم می آید؛ یک زندگی یکنواخت و خسته کننده که با اولین راه خروجی که به آن نشان داده شود، ناگهان فرو می ریزد؛ چیزی که شهروندان اروپایی در اروپا به راحتی آن را نخواهند یافت ولی داعش آن را برایشان به ارمغان می آورد.

شهروندان اروپا، از فرانسه و انگلیس تا آلمان و بلژیک، در حالی که از طریق فضای مجازی با داعش آشنا می شوند و اولین جزوه های جهاد نکاح و کشتن دشمن را می خوانند، رهسپار مناطقی می شوند که خلافت اسلامی و یا داعش در آن مستقر شده است. از این پس، آنها می توانند به جای اینکه به فکر پرداخت اقساط ماشین و یا رهن بانکی خود باشند، اسلحه به دست بگیرند و بدون آنکه مورد بازخواست قرار بگیرند، به هر که بخواهند، شلیک کنند. دو جوان انگلیسی که در استخدام یک شرکت بزرگ بودند، با خواندن همین جزوه ها و با توجه به وضعیت بد



طبق آمارهای رسمی، بیش از سه هزار شهروند اروپایی به داعش پیوسته‌اند. چند برابر این تعداد، احتمالاً تعداد کسانی است که هنوز در اروپا زندگی می‌کنند اما متمایل به داعش شده‌اند. فقر، تبعیض اقتصادی و نژادی، فرار از تبلیغات جوامع غربی، شاید به شهروندان اروپایی تصویری از داعش نشان می‌دهد که همچون یک آرمان شهر فاسده عمل می‌کند؛ اینکه تو می‌توانی همه بناهای تمدنی را به راحتی فرو بریزی تا شاید بر روی صدها سر بریده شده و خانه ویران شده، دوباره تمدنی جدید ساخته شود. تمدنی که این بار به جای صلح و دموکراسی، گلوله و خشونت نام بگیرد. اروپا و آمریکا که زمانی به تشکیل و تجهیز داعش کمک کرده‌اند، اکنون باید نگران شهروندان خود باشند که از آن، این بار نه در مرزهای عراق و سوریه که در خیابان‌های لندن، پاریس و نیویورک، حمایت می‌کنند.

اقتصادی‌شان به داعش پیوستند. دو خواهر انگلیسی دیگر که یک شب از خانه‌شان فرار کردند و ناپدید شدند، چند هفته بعد و در اثر جستجوی پلیس در رایانه شخصی آنها، راه سوریه را در پیش گرفته بودند. چند جوان فرانسوی که زیر فشار تبعیض نژادی و اقتصادی زندگی می‌کردند، قدم‌زدن در شانزلیزه و موزه لوور را رها کردند، تا به منطقه جنگی میان عراق و سوریه بروند؛ همان شهروندانی که هر روز صبح، کراوات می‌زدند، پشت چراغ قرمز می‌ایستادند، به سر کار می‌رفتند، یک ناهار رژیمی برای تناسب اندام می‌خوردند، بعد از کار به باشگاه ورزشی می‌رفتند و سعی می‌کردند که همه تبلیغات تلویزیونی را ببینند و نسخه نرم افزار تلفن همراه خود را به روز نگه دارند، اکنون اسلحه یا چاقو به دست، در مقابل یک دوربین نیمه حرفه‌ای می‌ایستند تا به سبک و سیاق انتهای فیلم هفت، گروهانی از همه جا بی‌خبر را سر ببرند!